

بررسی نقش انواع شبکه‌ها در ماندگاری اقامتی نیروی کار مهاجر در منطقه

صنعتی پارس جنوبی*

رضا نوبخت^۱، رسول صادقی^۲، ولی‌اله رستمعلی‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۳

چکیده

یکی از مفاهیمی که در ادبیات مهاجرت به‌منظور تحلیل جریان‌ها و الگوهای مهاجرتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفهوم شبکه است. هدف از این مقاله بررسی نقش و اثرگذاری انواع مختلف شبکه‌ها در ماندگاری مهاجران در منطقه عسلویه و کنگان است. مطالعه به‌لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به‌لحاظ اجرا پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته انجام گرفته است. حجم نمونه شامل ۶۵۴ نفر نیروی کار مهاجری است که در منطقه عسلویه و کنگان ساکن هستند. نتایج نشان داد شبکه‌های خویشاوندی، فامیلی و دوستی در حرکت مهاجران به‌سمت جامعه مقصد اثرگذاری قابل‌توجهی دارند و اثرگذاری آن‌ها بعد از مهاجرت در طی زمان کاهش می‌یابد. این شبکه‌ها در شکل‌دهی به جریان‌های مهاجرتی بعدی اثرگذار هستند، اما در تعیین میزان مدت ماندگاری مهاجران به‌ویژه مهاجرانی مانند مهاجران نیروی کار که با محیط، شرایط و روابط جدیدی ارتباط پیدا می‌کنند، اثرگذاری کمتری خواهند داشت. در میان شبکه‌های قبل از مهاجرت، شبکه فامیلی، اثرگذاری معناداری در ماندگاری مهاجران دارد و از میان شبکه‌های پس از مهاجرت، شبکه‌های درون و برون‌سازمانی تأثیر معناداری بر ماندگاری اقامتی مهاجران در منطقه دارد. همچنین اندازه شبکه‌های پس از مهاجرت نقش مهمی در مدت‌زمان ماندن مهاجران دارد، یعنی مهاجران دارای شبکه بزرگ‌تر، مدت‌زمان بیشتری در منطقه صنعتی پارس جنوبی خواهند ماند. بر اساس نتایج برآمده از تحقیق، بهینه‌سازی مقصد به‌لحاظ امکانات رفاهی، فراهم کردن امکانات بهداشتی و پزشکی، بهینه کردن مسکن‌های سازمانی ماندگاری مهاجران در مناطق صنعتی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های قبل از مهاجرت، شبکه‌های پس از مهاجرت، ماندگاری اقامتی، مهاجرت، منطقه صنعتی پارس جنوبی.

* مقاله علمی - پژوهشی، تألیف مستقل

۱ استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، rznobakht@gmail.com

۲ دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، rassadeghi@ut.ac.ir

۳ استادیار گروه مهاجرت داخلی و توزیع فضایی جمعیت، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت

کشور (نویسنده مسئول)، vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

**Investigating the Role of Networks in the Residential Stability of
Labor Migrants in South Pars Industrial Zone***

Reza Noubakht¹, Rasoul Sadeghi², Valiollah Rostamalizadeh³

Received July 31, 2020 Accepted February 21, 2021

Abstract

One of the concepts used in the immigration literature to analyze migration flows and patterns is the concept of network. The purpose of this article is to investigate the role and effectiveness of different types of networks in the retention of migrants in Assaluyeh and Kangan. The present study is a descriptive, survey research study that uses a structured questionnaire to collect data. The sample size was 654. The results showed that kinship, family and friendship networks have a significant impact on the movement of immigrants to the destination community and their impact decreases over time after migration. These networks are effective in shaping subsequent migration flows, but will be less effective in determining the shelf life of migrants, especially migrants such as labor migrants who are exposed to new environments, conditions, and relationships. The results indicate that, among the pre-migration networks, the family network and, among the post-migration networks, the intra- and inter-organizational networks have significant effects on migrants' staying. Also, the size of post-migration networks has a more significant effect on staying, i.e. migrants with a larger networks stay longer in the destination. In general, social networks should play an important role in the residential stability of labor migrants in the South Pars industrial zone. According to the results of the research, optimizing the destination in terms of welfare facilities, providing health and medical facilities, optimizing organizational housing will affect the stay of immigrants in industrial areas.

Keywords: Migration, pre-migration networks, post-migration networks, residential stability, south pars industrial zone.

* Scientific-research article, independent writing

1. Assistant professor in Demography, Payame Noor University, rznobakht@gmail.com

2. Associate professor of Demography, University of Tehran, and National Population Studies and Comprehensive Management Institute, rassadeghi@ut.ac.ir

3 . Assistant professor in Development Sociology, National Population Studies and Comprehensive Management Institute (Corresponding author), vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در ادبیات مهاجرت به‌منظور تحلیل جریان‌ها و الگوهای مهاجرتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مفهوم شبکه است. مفهوم شبکه در ادبیات مهاجرت بر این موضوع تأکید دارد که گرچه عوامل اقتصادی سطح کلان و فردی، انگیزه و عامل اصلی شکل‌گیری مهاجرت است، اما جریان مهاجرتی به‌وسیله شبکه‌ها تسهیل و سرعت می‌گیرد و این توانایی را می‌یابد که بتواند حجم عظیمی از جمعیت را با کاهش هزینه‌های مالی، اطلاعاتی و روانی به یک مکان خاص هدایت کند (مسی ۱۹۸۸، ۱۹۹۰؛ مسی و همکاران، ۱۹۹۳؛ لومینتز، ۱۹۷۷؛ استارک، ۱۹۸۴؛ مسی و همکاران، ۱۹۸۷؛ کورنیلوس، ۱۹۷۳).

گرچه در مطالعات انجام‌شده به نقش شبکه‌ها در شکل‌دهی جریان‌های مهاجرتی و جابه‌جایی انبوهی مهاجران اشاره شده است، اما موضوعی که برخی از مطالعات به آن توجه نموده‌اند این است که که میزان و توان اثرگذاری شبکه‌ها در مهاجرت به چه صورت است و دیگر اینکه آیا شبکه‌ها علاوه بر تسهیل مهاجرت، توانایی اثرگذاری بر تصمیم‌گیری آینده مهاجران را نیز دارند یا خیر (ریان^۱ ۲۰۱۱).

بررسی جریان‌های مهاجرتی در ایران در دهه‌های اخیر بیانگر این است که مهاجرت‌های درون‌استانی سهم قابل‌توجهی داشته و الگوی مسلط مهاجرت برای بیشتر استان‌های کشور است (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵). باوجوداین، در برخی استان‌ها مانند یزد، سمنان، اصفهان، هرمزگان، بوشهر و البرز وضعیت به‌گونه‌ای دیگر است. نتایج به‌دست‌آمده از داده‌های سرشماری نشان می‌دهد که الگوی مسلط مهاجرتی در این استان‌ها که با عنوان استان‌های صنعتی نیز شناخته می‌شوند، مهاجرت‌های برون/بین‌استانی است. به‌نظر می‌رسد صنعتی شدن و شکل‌گیری بازار کار عظیم در مناطق صنعتی این استان‌ها، علاوه‌بر شکل دادن به جریان‌های مهاجرتی درون‌استانی، زمینه‌ساز جهت‌دهی جریان‌های مهاجرتی بین‌استانی نیز شده است و موجب شده حجم قابل‌توجهی از مهاجران از سایر استان‌ها به این مناطق وارد شوند.

استان بوشهر از سال ۱۳۷۶ با توجه به استقرار صنایع گاز و پتروشیمی در شهرستان کنگان و شکل‌گیری منطقه صنعتی پارس جنوبی، به‌عنوان قطب صنعتی کشور معرفی و از این‌رو به کانونی

مهم در جریان مهاجرتی کشور تبدیل شده و حجم بالایی از نیروی کار را جذب کرده است. این وضعیت موجب شده در یک فرایند زمانی ۱۵ ساله حدود ۶۰ هزار نفر به این منطقه مهاجرت کنند و در نتیجه آن جمعیتی ناهمگون به لحاظ فرهنگی و قومی شکل بگیرد.

در کنار این تغییرات، شکل‌گیری بازار کار عظیم در منطقه صنعتی پارس جنوبی، علاوه بر شکل دادن به جریان‌های مهاجرتی درون استانی، زمینه‌ساز جهت‌دهی جریان‌های مهاجرتی بین استانی به استان بوشهر و به‌ویژه شهرستان‌های کنگان و عسلویه بوده است. درصد مشارکت استان‌های مختلف در سه سرشماری اخیر در جریان مهاجرتی به منطقه صنعتی پارس جنوبی، بیان‌کننده تفاوت مهاجرتی آن‌ها به منطقه مورد نظر است. (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵).

به‌رغم ادبیات نسبتاً غنی مهاجرت در ایران، در مطالعات این حوزه کمتر به نقش صنعتی شدن مناطق در شکل دادن به الگوهای مهاجرت و نیز ویژگی‌های مهاجران این مناطق توجه شده است. همچنین اینکه کدام عوامل و با چه فرایندی در کنار صنعتی شدن زمینه را برای شکل‌گیری جریان‌های مهاجرتی و به دنبال آن تغییرات و ماندگاری جمعیتی فراهم می‌کند، کمتر مورد توجه بوده است.

استقرار صنایع در منطقه پارس جنوبی که با افزایش بی‌سابقه جمعیت همراه بوده، زمینه‌ساز انجام مطالعاتی در این منطقه شده است. نگاهی به ادبیات تحقیقی انجام گرفته در ارتباط با منطقه صنعتی پارس جنوبی بیانگر این است که مطالعات انجام شده یا با تمرکز بر مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی است که به دنبال صنعتی شدن و افزایش جمعیت منطقه به وجود آمده است (صابری رفرقندی، ۱۳۸۸؛ صادقی فسایی، سهیلا ۱۳۸۵؛ طالبیان و همکاران، ۱۳۸۷) و یا اینکه بر شناسایی اثرات توسعه‌ای این مناطق صنعتی تأکید شده است (امینی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷؛ غلامی، ۱۳۹۴). از این رو، با توجه به اهمیت منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی در اقتصاد ایران و نیز نقش آن در تحولات جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، انجام مطالعه‌ای که به شناخت دقیق جریان‌های مهاجرتی، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مهاجران و چگونگی وارد شدن آن‌ها به منطقه بپردازد، ضروری به نظر می‌رسد. موضوع دیگری که بر اهمیت انجام مطالعه حاضر تأکید دارد تحلیل و تبیین الگوها و جریان‌های مهاجرتی بر اساس مفهوم شبکه و نقش

شبکه‌ها قبل و بعد از مهاجرت استفاد می‌شود زیرا در مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت در ایران، به مهاجرت نیروی کار به مناطق خاص (صنعتی) و نیز تحلیل آن بر اساس مفهوم شبکه کمتر توجه شده است. از طرفی مطالعه استراتژی‌های مهاجرتی مهاجران و نقش انواع مختلف شبکه به‌ویژه شبکه‌های پس از مهاجرت در آن، از این رو که ماندگاری جمعیتی منطقه مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حائز اهمیت خواهد بود، زیرا استراتژی‌های مهاجرتی مهاجران نیروی کار و زمینه‌های ماندن یا رفتن آن‌ها از این مناطق بدین‌گونه مورد تحلیل قرار می‌گیرد و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها به‌منظور ماندن و حضور بلندمدت جمعیت در مناطق صنعتی به‌ویژه در شهرهای معدنی و استخراجی، با دقت بیشتری دنبال می‌شود.

بر این اساس، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است: مهاجران وارد شده چه استراتژی‌های مهاجرتی را برای آینده اتخاذ خواهند کرد و در این تصمیم‌گیری شبکه‌های مختلف چگونه و تا چه حد نقش دارند؟

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

ادبیات مطالعاتی در حوزه مهاجرت بیانگر تغییر جهت‌گیری نظریه‌ها از سطوح تحلیلی کلان و خرد به سطح تحلیل میانی است. عوامل اقتصادی در شکل‌گیری مهاجرت‌ها به‌ویژه مهاجرت‌های کاری (اقتصادی) به‌عنوان شروع‌کننده مهاجرت دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، اما برخی عوامل دیگر نظیر فرهنگ مهاجرت، اطلاعات مهاجرتی و وجود شبکه‌ها که می‌توانند در قالب شبکه‌های خویشاوندی، دوستی، هم‌ولایتی و صنفی متبلور شوند، می‌توانند هم به تقاضای کار افراد جواب دهند و هم تداوم مهاجرت را موجب شوند (ژنگ یه^۱، ۲۰۱۳). شبکه‌های مهاجر مجموعه‌ای از تعهدات بین فردی است که مهاجران، مهاجران سابق و غیر مهاجران در مبدأ و مقصد را از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و مبدأ مشترک مرتبط می‌کند. این نقش که شبکه‌ها در ساخت مهاجرت ایفا می‌کنند، به‌وسیله جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان مورد مطالعه قرار گرفته است (مگنن، ۱۹۵۹^۲؛ تیلی و بروان، ۱۹۶۳^۳؛ میشل، ۱۹۶۹^۴؛ پرایس، ۱۹۷۱^۵؛

1 Jing Ye.Y

2 Magnin.W

3 Tilly.C and Brown.M

4 Mitchel.J.C

5 Price.D.O

کولدین،^۱ ۱۹۷۳؛ مک دونالد و مک دونالد،^۲ ۱۹۷۴؛ هوگو،^۳ ۱۹۸۱). اقتصاددانان این موضوع را به این صورت مطرح کرده‌اند که داشتن دوستان، بستگان یا اعضای دیگر جامعه مبدأ در مقصد، به طور چشمگیری احتمال مهاجرت به مقصد را برای دیگران افزایش می‌دهد (هارستند،^۴ ۱۹۵۷؛ نلسون،^۵ ۱۹۵۹؛ گرین وود،^۶ ۱۹۷۰).

شبکه‌ها، احتمال جابه‌جایی را افزایش می‌دهند، زیرا هزینه‌های جابه‌جایی را کاهش داده و تصور مثبتی از تفاوت درآمد بین مبدأ و مقصد ایجاد می‌کنند و نیز بازده خالص مهاجرت را افزایش می‌دهند. مهاجرت ممکن است بنا به دلایلی شکل گیرد، اما پس‌از آنکه تعدادی از مهاجران به یک آستانه می‌رسند، شبکه‌های گسترش‌یافته، خود موجب افزایش مهاجرت می‌شوند (استارک، ۱۹۸۴). هزینه‌های مالی، اطلاعاتی و روانی، زمانی کاهش می‌یابد که یک فرد مهاجر دارای روابط شخصی با افرادی است که تجربه سکونت و اقامت در یک منطقه خاص را داشته باشند (کورنیلوس،^۷ ۱۹۷۳؛ لومینتز،^۸ ۱۹۷۷؛ مسی و همکاران، ۱۹۸۷؛ پورترز، ۱۹۷۹).

نظریه شبکه‌های مهاجرت با کمک گرفتن از نظریه‌های دیگر مانند سرمایه اجتماعی تأکید عمده‌ای بر عوامل اجتماعی مهاجرت دارد. عمده مطالعات انجام‌شده در حوزه مهاجرت، از نظریه شبکه در نقش شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی استفاده کرده‌اند (مسی و همکاران، ۱۹۸۷، ۱۹۹۹؛ پورترز و باخ،^۹ ۱۹۸۵؛ فاسل^{۱۰} و مسی، ۲۰۰۴؛ چلدین، ۱۹۷۳، مسی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۳؛ کوران، رویورو-فوینتز، ۲۰۰۳). ارتباطات شبکه‌ای به وجود آمده تحت شبکه‌های مختلف (خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، صنفی) به طور اساسی احتمال مهاجرت را برای افراد حاضر در مبدأ افزایش می‌دهد و حتی استراتژی‌های آینده مهاجران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (فاسل و مسی، ۲۰۰۴، اندرسون، ۲۰۰۸؛ قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). باوئر و گنگ^{۱۱} (۱۹۹۸) باهدف بررسی اثرگذاری مدت‌زمان ماندن و تعیین‌کننده‌های طول دوران ماندن مهاجران، از

1 Choldin.H.M

2 McDonald.J.S

3 Hugo.G.J

4 Hagerstand.T

5 Nelson.Ph

6 Greenwood.M.J

7 Cornilus.W.A

8 Lomnitz.L

9 Portes.A and Bach.R.L

10 Fossel.E

11 Bauer.T and Gang.I.N

اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی و اطلاعاتی در جریان‌های مهاجرتی و نیز اثرگذاری آن به‌منظور تحلیل استراتژی‌های آینده مهاجرت استفاده کرده‌اند. نتایج حاصل از مطالعه آنان نشان داد که پس از کنترل اثرات متغیرهای جمعیتی و سرمایه انسانی، اثر شبکه‌ها هرچند به میزان اندک ولی معنادار باقی می‌ماند و دیگر اینکه شبکه‌های اطلاعاتی به‌لحاظ آماری تأثیر منفی و معناداری بر طول دوره مهاجرت مهاجران دارد. استام^۱ (۲۰۰۴) در تحلیل نقش شبکه‌ها در بازگشت مهاجران بیان می‌کند، عوامل زیادی در جذب و دفع مهاجران برای بازگشت نقش دارند. فرضیه اول تحقیق وی این بود که، وجود دوستان و خانواده در مبدأ به‌عنوان اهرم فشار برای بازگشت مهاجران عمل می‌کند. نتایج نشان داد که شبکه‌های اجتماعی قبل از مهاجرت، نقش معنی‌داری در بازگشت مهاجران نداشت، اما زمانی که ترکیب شبکه‌های مهاجران بازگشته و مهاجرانی که مانده‌اند با هم مقایسه شد، تفاوت‌ها نمایانگر می‌شد و از این‌رو ترکیب شبکه‌های مهاجر را می‌توان به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به‌کار برد. در برخی مطالعات به نقش شبکه‌ها در انطباق مهاجران با جامعه جدید و اثرگذاری آن بر ماندگاری در مقصد اشاره شده است. کو^۲ (۲۰۰۸) بیان می‌کند که روابط ضعیف با مبدأ و تماس‌های کمتر با شبکه‌های خود در مبدأ موجب ماندگاری طولانی‌مدت افراد می‌شود. از طرفی بیان می‌کند که حفظ روابط شبکه‌ای گذشته به حفظ هویت مهاجران کمک می‌کند و این موضوع، تمایل افراد به مبدأ را افزایش می‌دهد.

همچنین در برخی دیگر از مطالعات به اثرگذاری شبکه‌های بعد از مهاجرت در ماندگاری مهاجران پرداخته شده است. کو (۲۰۰۸) روابط جدید در مقصد و عضویت در شبکه‌های جدید و نیز روابط گذشته در چارچوب شبکه‌های قدیمی را در ماندگاری طولانی‌مدت مهاجران مؤثر می‌داند. آقاجانیان^۳، گورینا^۴ و منجیوار^۵ (۲۰۱۴) به مفاهیمی همچون الحاق اقتصادی^۶، ظرفیت شهری^۷ و روابط اجتماعی به‌عنوان عواملی در برگشت اشاره دارند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نوع شغل، درآمد و روابط اجتماعی با دوستان و خویشان در مقصد، برنامه‌های مهاجران برای برگشت را شکل می‌دهد. عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه «ماندن یا مهاجرت

1 Stamm.S

2 Ko.Anu

3 Agadjanian.V

4 Gorina.E

5 Menjivar.C

6 Economic Incorporation

7 Civil Inclusion

دوباره مهاجران افغانستانی در ایران^۱ بیان می‌کنند که علاوه بر متغیرهای اجتماعی مانند تحصیلات و قومیت و متغیرهای جمعیتی مانند وضعیت زناشویی، ترکیب همسایگی مهاجران (در مقصد) از عواملی است که تأثیر معناداری بر ماندن مهاجران دارد. نکته قابل توجه اینکه آنچه در ترکیب همسایگی مورد توجه است میزان ارتباط بین مهاجرانی است که در همسایگی یکدیگر سکونت دارند تا اینکه صرف ترکیب مد نظر باشد. موینیان و پاندی^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه «نقش شبکه‌ها در تمایلات بازگشت مهاجران نیروی کار»، به تعیین‌کنندگی شبکه‌های بعد از مهاجرت اشاره دارند. در این مطالعه شبکه‌های پس از مهاجرت، به صورت شبکه‌های درون‌سازمانی و خارج سازمانی تفکیک شده است. شبکه درون‌سازمانی ارتباطات و عضویت در شبکه‌هایی است که به عنوان محل کار فرد تلقی می‌شود و شبکه‌های خارج سازمانی ارتباطات و عضویت در شبکه‌هایی است که مرتبط به سازمان‌های دیگر و یا شبکه‌هایی است که فرد قبل از مهاجرت در آن عضویت داشته است. نتایج مطالعه نشان داد، اگر قدرت شبکه‌های درون‌سازمانی یعنی روابط درون‌سازمانی از روابط خارج سازمانی بیشتر باشد، احتمال ماندن مهاجران نیروی کار را افزایش می‌دهد. بنابراین، نظریه شبکه با توجه به عضویت مهاجران در انواع شبکه‌ها (مقصد و مبدأ) و میزان ارتباط و وسعت هر کدام از شبکه‌ها، ماندن و بازگشت مهاجران را تبیین می‌کند.

بررسی ادبیات تحقیق بیانگر این است که گرچه شبکه‌های مهاجران نقش مهمی در ماندگاری مهاجران در مقصد دارد، عضویت فرد در شبکه‌های سازمانی و شکل‌گیری ارتباطات جدید در مقصد نقش برجسته‌تری در ماندگاری مهاجران در مقایسه با شبکه‌های قبل از مهاجرت دارند. با وجود این، تأثیر شبکه‌های قبل و بعد از مهاجرت بر ماندگاری مهاجران و تعیین‌کننده‌های آن به ویژه در مطالعات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر بر ماندگاری مهاجران که در مطالعات انجام شده مورد تأکید بوده است، در برخی دیگر از مطالعات به ارتباطات جدید مهاجران در جامعه مقصد و نقش تعدیل‌گری شبکه‌ها اشاره شده است (قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲؛ محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۱). اما به رغم توجه به ارتباطات جدید مهاجران در جامعه جدید، به شکل این

1 Return Migration to Afghanistan or Staying in Iran among Afghan Youth

2 Moynihan.P and Pandey.S

ارتباطات و نیز مقایسه آنان با روابط قبل از مهاجرت که زمینه ورود آنان را به جامعه جدید فراهم کرده‌اند، توجه چندانی صورت نگرفته است. از این‌رو، در مطالعه حاضر علاوه بر شبکه‌هایی که در جابه‌جایی افراد از مبدأ به مقصد تعیین‌کننده بوده‌اند، به شبکه‌های پس از مهاجرت و نقش و میزان اثرگذاری آنان بر ماندگاری مهاجران توجه می‌شود.

بنابراین با بهره‌گیری از چارچوب نظری و مطالعات انجام‌شده در این حوزه، فرضیه‌های مطالعه بدین شرح‌اند:

- عضویت مهاجران در شبکه‌ها، قبل و بعد از مهاجرت، اثر مثبت و معناداری در ماندگاری مهاجران در مقصد دارد؛ با توجه به اثرگذاری معنادار متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای در ماندگاری مهاجران در منطقه پارس جنوبی، با کنترل اثرات این متغیرها، عضویت افراد در شبکه‌ها احتمال ماندگاری مهاجران را افزایش می‌دهد.

روش تحقیق و داده‌ها

پژوهش حاضر به‌لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به‌لحاظ اجرا پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته انجام گرفته است. جامعه آماری مطالعه ۵۳۰۶۹ نفر نیروی کاری است که از مناطق مختلف کشور به منطقه صنعتی پارس جنوبی مهاجرت کرده‌اند و در یکی از فازها/پتروشیمی‌ها مشغول فعالیت هستند. با استفاده از روش پیشنهادی لین و فرمول کوکران، حجم نمونه ۶۵۴ نفر محاسبه شد. به‌منظور انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. از آنجایی که ۶۴ درصد نیروی کار منطقه در فازها و ۳۶ درصد نیز در پتروشیمی‌ها فعالیت می‌کنند، تعداد ۴۱۰ نفر نمونه به فازها و ۲۴۴ نفر نیز به پتروشیمی‌ها اختصاص یافت.

کل نیروی کار در منطقه پارس جنوبی: ۵۳۰۶۹ نفر

نیروی کار غیر بومی در فازها (پالایشگاه‌ها) و پتروشیمی‌های منقل صنعتی پارس جنوبی
نیروی کار فازها: ۶۳ درصد
نیروی کار پتروشیمی‌ها: ۳۷ درصد

نسبت طبقات کلی و تعداد نمونه:

فازها: ۶۳ درصد سهم فازها از نمونه که برابر با ۴۱۰ نفر نیروی کار غیر بومی است.
پتروشیمی‌ها: ۳۷ درصد از نمونه که برابر با ۲۴۴ نفر نیروی کار غیر بومی است.

فاز ۲۴-۲۲	فاز ۲۱-۲۰	فاز ۱۹	فاز ۱۸-۱۷	فاز ۱۶-۱۵	فاز ۱۴	فاز ۱۳	فاز ۱۲	فاز ۱۰-۱	سهم نمونه (%)
۱۶/۴	۵/۰	۵/۰	۴/۰	۷/۵	۱۰/۰	۱۵/۶	۱۱/۶	۲۴/۸	
۶۷	۲۱	۲۱	۱۷	۳۱	۴۱	۶۵	۴۷	۱۰۰	تعداد نمونه

پتروشیمی بوشهر	پتروشیمی سیلان	پتروشیمی پاراکاد	پتروشیمی مرجان	پتروشیمی آریا سانسول	پتروشیمی زاگرس	پتروشیمی جم	پایه‌ها و مخازن پتروشیمی	پتروشیمی برزویه	پتروشیمی مهر	پتروشیمی پردیس	پتروشیمی کویان	پتروشیمی پارس	پتروشیمی دماوند	پتروشیمی مینین	پتروشیمی مرزاریز	سهم نمونه (%)
۱۰/۵	۴/۹	۴/۶	۵/۱	۱۱/۸	۷/۴	۱۳/۳	۱/۶	۷/۹	۱/۷	۹/۹	۴/۵	۷/۲	۱/۷	۵/۲	۲/۲	
۲۵	۱۲	۱۱	۱۲	۲۹	۱۸	۳۲	۵	۱۹	۴	۲۴	۱۱	۱۷	۵	۱۳	۷	تعداد نمونه

انتخاب افراد هدف روش انتخاب: تصادفی ساده و سیستماتیک

شکل ۱. مراحل روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با احتمال متناسب با اندازه در روش پیمایش

قصد ماندگاری مهاجران در منطقه صنعتی پارس جنوبی متغیر وابسته مطالعه حاضر است. برای سنجش متغیر وابسته از پاسخگویان پرسیده شده، تا چند سال آینده در منطقه صنعتی پارس جنوبی می‌مانند.

شبکه‌های مهاجران به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق، به دو صورت شبکه‌های قبل و بعد از مهاجرت اندازه‌گیری شده است. شبکه‌های قبل از مهاجرت به‌صورت شبکه‌های خویشاوندی (بستگان درجه‌یک)، فامیلی و دوستی در نظر گرفته شده است. از این رو، سؤالاتی در زمینه وجود عضو خانواده (خویشاوند درجه‌یک)، فامیل و دوست فرد مهاجر در محل سکونت فعلی اش در زمان قبل از مهاجرتش به منطقهٔ عسلویه پرسیده شده است. برای سنجش شبکهٔ فامیلی، وجود هریک از خویشاوندان مشخص شده در مقصد بالقوه به‌صورت بلی = ۱ و خیر = ۰ کدگذاری شد و برای به‌دست آوردن نمرهٔ کل شبکهٔ فامیلی، کد هریک از نسبت‌ها (فامیلی مثلاً برادر یا خواهر در کد میزان رفت‌وآمد ضرب شده و در نهایت نمرهٔ حاصل ضرب هر هشت نسبت (پدر بزرگ و مادر بزرگ، برادرزاده و خواهرزاده، عمو (دایی)- و عمو (دایی) زاده، عمه (خاله) و عمه (خاله) زاده) با هم جمع شد و بر این اساس علاوه بر نوع شبکه، اندازهٔ هر کدام از شبکه‌ها نیز برای فرد مهاجر کوچک، متوسط و بزرگ محاسبه شده است. شبکه‌های بعد از مهاجرت بر اساس اشتغال مهاجران در فازها و پتروشیمی‌ها و نیز میزان ارتباط آن‌ها با سازمان‌های دیگر به‌صورت عضویت در شبکه‌های درون و برون‌سازمانی سنجش شده است. بر این اساس، با توجه به مطالعات انجام‌شده، سه گویه برای شبکه درون‌سازمانی و دو گویه نیز برای سنجش شبکه برون‌سازمانی انتخاب شد که در جدول (۱) آمده است. آماره‌های KMO و آزمون بارتلت هر دو مفهوم بیان‌کنندهٔ این است که داده‌های تحقیق قابلیت تقلیل به عامل‌ها را دارند؛ گویه‌های هر عامل همبستگی بالایی با یکدیگر دارند؛ آمارهٔ آلفا پیوستگی گویه‌ها را تأیید می‌کند و همچنین بار عاملی هر یک از گویه در سطح قابل توجه و بالایی قرار دارد.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی مفهوم شبکه‌های درون و برون‌سازمانی

آماره‌ها	بار عاملی	گویه‌ها
Bartlett's Test= ۵۳۰/۱ Sig=۰/۰۰۰ V.E= ۶۶/۳ $\alpha= ۰/۷۱$	۰/۸۵ ۰/۸۸ ۰/۷۰	اغلب در محیط کار از همکارانم رفتارهای محبت‌آمیز می‌بینم در محیط کار، معمولاً همکاران در مشکلاتم به من توجه خاصی دارند به دلیل احساس تعهد با افرادی که با من همکار هستند، قصد ترک این‌جا را ندارم
Bartlett's Test= ۲۲۴/۶ Sig=۰/۰۰۰ V.E= ۷۲/۴ $\alpha= ۰/۷۰$	۰/۸۰ ۰/۸۵	داشتن دوستان در فازها/پتروشیمی‌های دیگر به یافتن شغل مناسب‌تر کمک می‌کند. ارتباط با فازها/پتروشیمی‌های دیگر به پیشرفت شغلی من کمک کرده است.

در این مقاله به منظور بررسی رابطه دقیق شبکه‌های قبل و بعد از مهاجرت و ماندگاری مهاجران در مقصد، همراه با مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی - جمعیتی (مانند سن، تحصیلات، سابقه حضور، وضعیت سکونت، وضعیت توسعه‌یافتگی، درآمد) با استفاده از تحلیل طبقات چندگانه استفاده شد. این روش علاوه بر اینکه امکان حضور متغیرهای ترتیبی را به عنوان متغیر مستقل فراهم می‌کند، میزان اثرگذاری و تغییرات متغیر وابسته (ماندگاری) بر اساس سطوح مختلف متغیر را بر اساس دو سطح تعدیل شده (پس از کنترل مشخصه‌ها) و تعدیل نشده (بعد از کنترل مشخصه‌ها) فراهم می‌کند.

یافته‌ها

در جدول ۲، ویژگی‌های نمونه با توجه به متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین درصد پاسخگویان مربوط به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله با ۳۱,۲ درصد است. محل تولد پاسخگویان، بیانگر آن است که ۶۸ درصد از مهاجران، متولد مناطق شهری و ۳۱ درصد نیز در مناطق روستایی متولد شده‌اند. وضعیت زناشویی پاسخگویان، نشان داد که حدود ۷۸ درصد از نمونه دارای همسر و ۲۲ درصد مجرد هستند. ترتیبات زندگی مهاجران نیروی کار نشان داد که ۵۶ درصد از نمونه با همسرانشان در منطقه سکونت دارند و ۲۲ درصد دیگر نیز اظهار کرده‌اند همسرانشان در مبدأ سکونت دارند و مابقی هم مجرد بودند که با دوستان و همکاران زندگی می‌کردند.

میزان تحصیلات پاسخگویان در سه طبقه دیپلم و پایین‌تر، کاردانی و کارشناسی و نیز کارشناسی ارشد و دکتری، طبقه‌بندی شده است. توزیع درصدی آن‌ها نشان می‌دهد که حدود ۵۲ درصد از مهاجران نیروی کار دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی، ۳۰ درصد کارشناسی ارشد و دکتری و ۱۸,۵ درصد نیز دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر هستند. میزان درآمد ماهیانه (حقوق) پاسخگویان نشان داد که ۳۵ درصد از پاسخگویان ۱-۳ میلیون تومان داشته و ۳۳ درصد نیز دارای درآمدی بین ۳-۶ میلیون تومان دارند. همچنین مابقی مهاجران نیروی کار نیز درآمدی بالاتر از ۶ میلیون تومان دارند.

وضعیت شغلی پاسخگویان بیانگر این است که ۳۱ درصد از مهاجران نیروی کار رسمی هستند و ۲۶ درصد نیز جزء نیروهای پیمانکاری به‌شمار می‌روند. این گروه از مهاجران نیروی

کار با توجه به مدت زمان به طول انجامیدن یک پروژه در فازهای مختلف مشغول به فعالیت هستند و سپس ادامه فعالیت آن‌ها در منطقه صنعتی تا حدود زیادی به پروژه‌های آینده شرکت پیمانکاری مربوطه، منوط است. ۴۳ درصد از نمونه نیز نیروهای قراردادی مستقیم هستند. این گروه از نیروی کار، گرچه از مزایای نیروهای رسمی در ارتباط با مرخصی و پاداش برخوردار نیستند اما از امنیت شغلی به مراتب بالاتر از نیروهای پیمانکاری برخوردارند. سابقه حضور پاسخگویان در منطقه صنعتی پارس جنوبی با توجه به نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از نمونه بیش از ۱۰ سال در منطقه حضور داشته و در یکی از فازها و یا پتروشیمی‌ها فعالیت داشته‌اند. همچنین، ۳۳ درصد از جمعیت نمونه مدت‌زمانی بین ۱۰-۵ سال و ۲۸ درصد نیز کمتر از ۵ سال در منطقه صنعتی پارس جنوبی مشغول به کار بوده‌اند. بنابراین، حدود ۴۰ درصد از نمونه، شامل مهاجرانی می‌شود که مدت‌زمان طولانی در منطقه صنعتی پارس جنوبی حضور دارند. مبدأ مهاجران نیروی کار با توجه به سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور نشان داد که ۵۳ درصد از مهاجران نیروی کار از استان‌های برخوردار، ۲۶ درصد از استان‌های نیمه برخوردار و ۲۱ درصد نیز از استان‌های محروم^۱ هستند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای نمونه مورد بررسی، ۱۳۹۶

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد	
سن*	کمتر از ۳۰ سال	۱۶۵	۲۵/۲	با همسر	۳۶۷	۵۶/۱
	۳۰-۳۴ سال	۲۰۴	۳۱/۲	همسر در مبدأ	۱۳۶	۲۲/۳
	۳۵-۳۹ سال	۱۳۸	۲۱/۱	مجرد	۱۵۱	۲۱/۶
	۴۰-۶۲ سال	۱۴۷	۲۲/۵	محروم	۱۳۴	۲۰/۹
تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر	۱۲۱	۱۸/۵	نیمه‌برخوردار	۱۶۷	۲۶/۱
	کاردانی و کارشناسی	۳۳۹	۵۱/۸	برخوردار	۳۴۰	۵۳
	ارشد و دکتری	۱۹۴	۲۹/۷	کمتر از ۵ سال	۱۸۳	۲۸/۵
			وضعیت سکونت			
			وضعیت توسعه‌یافتگی استان مبدأ			
			سابقه حضور***			

۱ براساس یافته‌های مطالعه سنگاچین و همکاران (۱۳۹۲) سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها را به صورت ذیل می‌توان بیان کرد: (۱) استان‌های برخوردار: مرکزی، اصفهان، سمنان، یزد، تهران، قم، قزوین، البرز (۲) استان‌های نیمه-برخوردار: گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان، فارس، خراسان رضوی، همدان، بوشهر، زنجان (۳) استان‌های محروم: آذربایجان غربی، کرمان، سیستان و بلوچستان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، اردبیل، گلستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی.

ادامه جدول ۲. ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای نمونه مورد بررسی، ۱۳۹۶

متغیر	تعداد	درصد	متغیر	تعداد	درصد	
درآمد**	کمتر از ۳ میلیون	۲۲۷	۳۴/۷	۱۰-۶ سال	۲۱۲	۳۳/۱
	۳-۶ میلیون	۲۱۳	۳۲/۶	بالاتر از ۱۰ سال	۱۴۶	۳۸/۴
	بالاتر از ۶ میلیون	۲۱۴	۳۲/۷	رسمی	۲۰۴	۳۱/۲
محل تولد	شهر	۴۴۷	۶۸/۷	پیمانکاری	۱۶۷	۲۵/۵
	روستا	۲۰۴	۳۱/۳	قرارداد مستقیم	۲۸۳	۴۳/۳
	مجرد	۱۴۱	۲۱/۶			
وضعیت زناشویی	متاهل	۵۱۳	۷۸/۴			

* میانگین سنی نمونه ۳۴ سال است. ** میانگین درآمد نمونه ۵۰۸۰۰ میلیون تومان است. *** میانگین سابقه

حضور در منطقه برای نمونه مورد مطالعه ۸/۶ سال است.

انواع شبکه‌ها اعم از خانوادگی، فامیلی و دوستی نقش بسیار مهمی در جریان‌های مهاجرتی دارد و در مطالعات متعددی نیز به اثرگذاری و نقش آن‌ها اشاره شده است. در این خصوص نتایج جدول (۳) نشان داد که ۲۹ درصد از پاسخگویان قبل از مهاجرت به این منطقه، یکی از اعضای خانواده آن‌ها در منطقه بوده است. در حالی که ۷۱ درصد نیز اظهار کرده‌اند که از اعضای خانواده آن‌ها قبل از مهاجرت در منطق > صنعتی پارس جنوبی حاضر نبوده است. شبکه > فامیلی بیانگر این است که برای ۳۱ درصد از مهاجران، خویشاوندانی در منطقه صنعتی پارس جنوبی بوده که با آن‌ها به صورت مستمر ارتباط داشته‌اند، در صورتی که ۶۹ درصد نیز خویشاوندی قبل از مهاجرت در این منطقه نداشته‌اند. حضور شبکه دوستی نشان می‌دهد ۶۶ درصد از مهاجران دوستانی داشته‌اند که قبل از ورود آن‌ها، در این منطقه شاغل بوده و با آن‌ها ارتباط داشته‌اند. از این رو، از میان انواع شبکه‌ها، شبکه دوستی پاسخگویان گسترده‌تر از شبکه‌های خانوادگی و فامیلی است.

جدول ۳. شبکه‌های اجتماعی مهاجران به هنگام مهاجرت به منطقه صنعتی پارس جنوبی

متغیرها	درصد	تعداد	متغیر	درصد	تعداد
منبع اطلاعات			شبکه‌های فامیلی		
خانواده در مقصد	۱۸/۱	۱۱۸	بلی	۳۰/۸	۲۰۱
دوستان در مقصد	۴۷	۳۰۷	خیر	۶۹/۲	۴۵۱
دوستان و خانواده در مبدأ	۱۴/۷	۹۶	شبکه‌های دوستی		
مراکز دولتی و رسانه	۲۰/۲	۱۳۲	بلی	۶۶/۴	۴۳۳
شبکه‌های خانوادگی			خیر	۳۳/۶	۲۱۹
بلی			۱۸۹		
خیر			۴۶۳		
			۲۹/۱		
			۷۰/۹		

جدول (۴) نشان می‌دهد که ۳۲ درصد مهاجران از شبکه درون‌سازمانی کوچک و ۳۲ درصد نیز از شبکه متوسط درون‌سازمانی برخوردارند. همچنین ۳۲ درصد مهاجران نیز از شبکه بزرگ درون‌سازمانی برخوردارند. توزیع نمونه بر اساس شبکه برون‌سازمانی نشان می‌دهد، ۲۲ درصد مهاجران از شبکه برون‌سازمانی کوچک و ۳۲ درصد نیز از شبکه برون‌سازمانی متوسط برخوردارند. این در حالی است که ۴۶ درصد، شبکه برون‌سازمانی بزرگ دارند. این موضوع بیانگر این است که در منطقه صنعتی پارس جنوبی، درصد قابل توجهی از مهاجران نیروی کار در شبکه‌های برون‌سازمانی قرار دارند.

جدول ۴. توزیع نمونه بر اساس شبکه‌های کاری درون و برون‌سازمانی

تعداد	اندازه شبکه			متغیر
	بزرگ	متوسط	کوچک	
۶۵۲	۳۲/۲	۳۶/۲	۳۱/۶	شبکه درون‌سازمانی
۶۵۴	۴۶/۰	۳۲/۱	۲۱/۹	شبکه برون‌سازمانی

متغیر وابسته در مطالعه حاضر، ماندگاری مهاجران در جامعه جدید است. به منظور سنجش ماندگاری مهاجران در منطقه صنعتی پارس جنوبی از آنان پرسیده شد که تمایل دارند چند سال دیگر در این منطقه با توجه به تمامی شرایط موجود (محیطی، اقتصادی و اجتماعی) بمانند.

ارتباط متغیرهای شبکه (شبکه خانوادگی، فامیلی، دوستی، درون و برون‌سازمانی)، سن، محل تولد، وضعیت زناشویی و تحصیلات و متغیر وابسته یعنی قصد ماندن مهاجران در منطقه (میانگین زمان ماندن) در جدول (۵) ارائه شده است. در جدول، میانگین زمان ماندن بر اساس دو سطح تعدیل شده (مدت‌زمان ماندگاری بعد از کنترل) و تعدیل نشده (مدت‌زمان ماندگاری بدون کنترل سایر متغیرها) ارائه شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد متغیرهای شبکه خانوادگی، خویشاوندی و فامیلی ارتباط معناداری با مدت‌زمان ماندگاری مهاجران دارد. پس از کنترل، میانگین ماندن مهاجرانی که از شبکه خانوادگی متوسط (ماندگاری ۲۰ ساله) و بزرگی (ماندگاری ۱۷ ساله) برخوردارند در مقایسه با افرادی که شبکه خانوادگی کوچک‌تری دارند (ماندگاری ۵ ساله) بیشتر است. ارتباط شبکه فامیلی با مدت‌زمان ماندن نشان می‌دهد افرادی که شبکه فامیلی متوسط و بزرگ دارند، به‌طور متوسط به‌ترتیب ۱۶ و ۲۶ سال در منطقه صنعتی پارس جنوبی خواهند ماند. شبکه دوستان نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل بیانگر این است که افراد دارای شبکه دوستی بزرگ‌تر، مدت‌زمان بیشتری در منطقه خواهند ماند.

علاوه بر شبکه‌هایی که به مهاجران برای ورود به منطقه صنعتی پارس جنوبی کمک کرده‌اند، میزان ماندگاری تعدیل شده نشان می‌دهد، شبکه‌های پس از مهاجرت یعنی شبکه‌های درون و برون‌سازمانی که با توجه به شاغل شدن مهاجران در فازهای صنعتی و پتروشیمی‌ها شکل گرفته، ارتباط معناداری با مدت ماندگاری مهاجران دارد. این بدین معنی است مهاجرانی که در شبکه‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بزرگتری عضویت دارند، احتمال ماندگاری بیشتری برای آن‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد روابط درون‌سازمانی و میزان آن می‌تواند در مناطق صنعتی و برای مهاجران کار در مناطق دیگر جایگزین مناسبی برای نقش اثرگذار شبکه‌های دوستی و فامیلی قبل از مهاجرت باشد و برای پایدارتر شدن حضور مهاجران نیروی کار در منطقه صنعتی پارس جنوبی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

متغیر سن با طول مدت مورد انتظار ماندگاری در منطقه، رابطه معناداری دارد و نشان می‌دهد میانگین زمان ماندن افراد واقع در گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله بیشتر از سایر گروه‌های سنی است. یافته‌ها بیانگر این است که همراه با افزایش سن، تمایل به ماندن در منطقه پارس جنوبی، هرچند با شیب ملایم افزایش می‌یابد. آنچه گویای این مطلب است، بعد از کنترل کردن سایر

متغیرها، میانگین ۳۵ سال ماندگاری برای مهاجرانی است که در سنین ۶۲-۴۰ واقع هستند. رابطه تحصیلات با میانگین سال‌های ماندن بیانگر بالاتر بودن میانگین ماندگاری افرادی است که تحصیلات کاردانی یا کارشناسی (ماندگاری حدود ۱۹ سال) دارند. به نظر می‌رسد، کمبود امکانات آموزشی و نیز وضعیت اکولوژیکی منطقه و آلودگی بالای آن موجب می‌شود، مهاجرانی که دارای تحصیلات و البته درآمد بالایی هستند، بعد از بازنشستگی مناطق دیگری را برای مهاجرت انتخاب کنند و یا به مبدأ خود بازگردند.

میانگین زمان تعدیل‌شده (پس از کنترل سایر متغیرها) ماندن مهاجران متأهل در منطقه صنعتی پارس جنوبی ۱۴ سال و افراد مجرد ۳۲ سال است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین موضوع در ارتباط با تمایل کم مهاجران متأهل برای ماندن نبود فضای مناسب به لحاظ آب و هوایی و اکولوژیکی منطقه از یک طرف و کمبود امکانات آموزشی و تفریحی در منطقه صنعتی پارس جنوبی است. رابطه محل تولد و میانگین زمان ماندن نشان می‌دهد، افرادی که محل تولد آن‌ها شهر بوده است، زمان بیشتری را در منطقه خواهند ماند (۱۸ سال). به نظر می‌رسد صنعتی بودن منطقه پارس جنوبی و پیچیدگی روابط اجتماعی و فرهنگی در این منطقه به دلیل نوع فعالیت که متفاوت از فعالیت‌های روستایی است، از عوامل تعیین‌کننده در این تفاوت باشد.

جدول ۵. میانگین ماندگاری مهاجران در منطقه صنعتی پارس جنوبی بر اساس انواع شبکه و متغیرهای

جمعیتی-اجتماعی

متغیرها	طبقات	تعداد	میانگین ماندگاری مورد انتظار ماندن در منطقه	
			تعدیل نشده	تعدیل شده
شبکه خانوادگی	کوچک	۴	۱۱/۷	۴/۶
	متوسط	۲۴	۲۲/۱	۲۰/۲
	بزرگ	۵۱	۱۵/۶	۱۷/۱
آماره / معناداری	Eta = ۰/۴۱۲**			
شبکه فامیلی	کوچک	۳۵	۸/۹	۶/۱
	متوسط	۲۷	۱۴/۸	۱۷/۲
	بزرگ	۱۷	۲۱/۶	۲۰/۲
آماره / معناداری	Eta = ۰/۲۲۳**			

ادامه جدول ۵. میانگین ماندگاری مهاجران در منطقه صنعتی پارس جنوبی بر اساس انواع شبکه و متغیرهای جمعیتی-اجتماعی

متغیرها	طبقات	تعداد	میانگین ماندگاری مورد انتظار ماندن در منطقه	
			تعدیل نشده	تعدیل شده
شبکه دوستان	کوچک	۲	۱۶	۱۱/۹
	متوسط	۳۷	۱۴/۶	۱۴
	بزرگ	۴۰	۲۰	۲۰/۷
Eta= ۰/۳۱۱**				آماره / معناداری
شبکه درون سازمانی	کوچک	۲۰	۱۲/۸	۱۰/۴
	متوسط	۱۴	۲۰	۱۱/۷
	بزرگ	۴۵	۲۸/۶	۳۰
Eta= ۰/۲۵۶**				آماره / معناداری
شبکه برون سازمانی	کوچک	۵	۱۳/۴	۶/۷
	متوسط	۱۰	۱۱/۶	۱۸/۴
	بزرگ	۶۴	۱۸/۶	۲۴/۷
Eta= ۰/۱۹۶**				آماره / معناداری
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۷	۲۰/۳	۳/۴
	۳۰-۳۴ سال	۳۹	۱۵	۲۰/۵
	۳۵-۳۹ سال	۵	۱۷/۶	۳۹/۲۸
	۴۰-۶۲ سال	۸	۱۴/۸	۳۵/۴
Eta= ۰/۳۴۳**				آماره / معناداری
تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۱۵	۲۰	۱۷/۶
	کارشناسی	۴۳	۱۳	۱۸/۷
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۱	۱۹/۳	۱۴/۵
Cramer,s V= ۰/۳۳۳**				آماره / معناداری
محل تولد	شهر	۴۶	۱۴/۶	۱۸/۳
	روستا	۳۳	۲۸	۱۶/۲
eta= ۰/۲۵۰**				آماره / معناداری
وضعیت زناشویی	مجرد	۱۶	۱۴/۷	۳۲/۳
	متاهل	۶۳	۱۵/۶	۱۳/۷
Eta= ۰/۳۱۲**				آماره / معناداری

در جدول (۶)، متغیرها در سه گروه شبکه‌های قبل از مهاجرت، شبکه‌های پس از مهاجرت و متغیرهای اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان متغیرهای اثرگذار بر ماندگاری مهاجران در منطقه صنعتی پارس جنوبی در نظر گرفته شده است. نتایج جدول بیانگر این است متغیرهای وارد شده در مدل اثر معنادار و قابل توجهی بر میانگین ماندگاری دارند. مقدار آماره ضریب تعیین نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده، ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و مدل نیز به‌لحاظ آماری مدل مناسب و قابل اعتنایی است ($F=48.52^{**}$). از میان متغیرهای شبکه‌ای که با عنوان شبکه‌های قبل از مهاجرت معرفی شده است، شبکه فامیلی بیشترین اثرگذاری را دارد ($Beta=0.671$) و شبکه دوستان و خانوادگی (بستگان درجه یک) در مرتبه بعدی قرار دارند. از میان متغیرهای شبکه پس از مهاجرت، داشتن شبکه درون‌سازمانی بزرگ‌تر، تأثیر بیشتری بر ماندگاری مهاجران دارد ($Beta=602$). علاوه بر متغیرهای شبکه، اثرگذاری متغیرهای اجتماعی و جمعیتی نیز بر ماندگاری مهاجران در نظر گرفته شد. متغیرهای درآمد، مدت‌زمان اقامت در منطقه و قومیت نیز به‌عنوان متغیرهای اقتصادی و اجتماعی دیگر در نظر گرفته شد، که اثر معنادار نداشته و از مدل نهایی حذف شد. متغیر سن و وضعیت زناشویی بیشترین اثرگذاری را بر مدت‌زمان ماندگاری مهاجران داشته و محل تولد کم‌اثرترین متغیر اجتماعی-جمعیتی بوده است.

به‌طورکلی، متغیرهای شبکه فامیلی، سن و شبکه درون‌سازمانی در مقایسه با دیگر متغیرها اثرگذاری بالاتری بر ماندگاری مهاجران دارند. با توجه به مقدار اثرگذاری شبکه برون‌سازمانی ($Beta=0.551$) و مقایسه آن با گروه متغیرهای شبکه قبل از مهاجرت و متغیرهای اجتماعی و جمعیتی، می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که شبکه‌های پس از مهاجرت، در مقایسه با دیگر عوامل، ماندگاری مهاجران را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این‌رو، عضویت مهاجران در این شبکه‌ها اهمیت قابل توجهی خواهد داشت. همچنین به نظر می‌رسد اثرگذاری شبکه‌های قبل از مهاجرت به‌ویژه شبکه خانوادگی بیشتر در ترغیب و تشویق مهاجران برای ورود به یک منطقه خاص باشد و الگوهای مهاجرت را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین این شبکه‌ها پس از مهاجرت، قدرت خود را در ترغیب افراد برای ماندن تا حدودی از دست می‌دهد، زیرا پس از مهاجرت شبکه‌های دیگری اهمیت پیدا می‌کنند که ممکن است منافع بیشتری برای فرد مهاجر به همراه داشته باشد و

اثرگذاری آنان نیز بر این اساس افزایش خواهد یافت. این موضوع به‌ویژه برای مهاجرانی که با عنوان مهاجران نیروی کار به یک منطقه اقتصادی وارد می‌شوند، می‌تواند صادق باشد.

جدول ۶: نتایج تحلیل چندمتغیره اثرگذاری متغیرهای مرتبط با شبکه بر مدت زمان ماندگاری

متغیرها	Beta	F	Eta
شبکه‌های قبل از مهاجرت	شبکه خانوادگی	۰/۴۱۷	۲۳/۷۹**
	شبکه فامیلی	۰/۶۷۱	۴۳/۱۵**
	شبکه دوستان	۰/۴۳۳	۳۸/۰۵**
شبکه‌های بعد از مهاجرت	شبکه داخل سازمانی	۰/۶۰۲	۱۴/۶۰**
	شبکه خارج سازمانی	۰/۵۵۱	۴۰/۰۴**
متغیرهای جمعیتی-اجتماعی	سن	۰/۶۶۱	۱۱/۱**
	تحصیلات	۰/۲۲۸	۱۰/۲۱**
	محل تولد	۰/۱۳۰	۲۱/۱**
	وضعیت زناشویی	۰/۵۲۳	۱۸/۲**
آماره‌ها	R^2	۰/۶۷۱	
	F	۴۸/۵۲	
	Sig	۰/۰۰۱	
	Grand Mean	۱۷/۰۴	

بحث و نتیجه‌گیری

گرچه ورود صنعت به برخی مناطق اثرات قابل توجهی را به لحاظ اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی برای منطقه مورد نظر به همراه داشته است، اما شهرهای مذکور را با چالش‌های جدی در زمینه ماندگاری اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی مواجه کرده و موجب شده مطالعات متعددی در این ارتباط صورت پذیرد. مفهومی که این مقاله به دنبال بررسی و مطالعه آن بود، در ارتباط با ماندگاری جمعیتی این مناطق پس از استقرار صنایع و ورود حجم قابل توجهی از جمعیت مهاجر به‌ویژه مهاجر نیروی کار است. ساختار و ترکیب جمعیتی خاص منطقه پس از استقرار صنایع این سؤالات را مطرح می‌کند که آیا این حجم از نیروی کار مهاجر در منطقه صنعتی پارس جنوبی ماندگار خواهد بود؟ و اینکه چه شرایط و عواملی در ماندگاری و یا بازگشت مهاجران

تأثیر دارد؟ به منظور دستیابی به اهداف مطالعه، از روش پیمایش و نیز تکنیک پرسشنامه استفاده شد.

یافته‌های مطالعه بیانگر این است که میزان تحصیلات اکثر مهاجران نیروی کار، کاردانی و کارشناسی (۵۲ درصد) و میانگین درآمدی آن‌ها ۵/۸ میلیون تومان است. یافته‌های مرتبط با شیوه دستیابی به شغل مهاجران نشان می‌دهد ۵۱ درصد از طریق روابط ضعیف (آشناپان و دوستان خود و یا یکی از اعضای خانواده) مشاغل خود را به دست آورده‌اند و تنها ۱۸ درصد از طریق آزمون و به شیوه‌های رسمی (آگهی جذب و فراخوان) مشغول به کار شده‌اند. توجه به نقش انواع مختلف شبکه در شکل‌گیری جریان مهاجرت به منطقه صنعتی پارس جنوبی بیان‌کننده این است که انواع شبکه‌ها اعم از خانوادگی، فامیلی و دوستی در ورود مهاجران و شکل‌گیری جریان مهاجرتی به منطقه صنعتی پارس جنوبی نقش داشته‌اند که شبکه دوستی نقش برجسته‌تری در این میان داشته است. ترکیب شیوه دستیابی به شغل با توجه به روابط ضعیف و نیز نقش برجسته و مهم شبکه دوستی، با نتایج و یافته‌های مطالعه گرانووتر (۱۹۷۷) در ارتباط با نقش پراهمیت‌تر قدرت روابط ضعیف نسبت به روابط قوی در دستیابی به شغل و ورود مهاجران به‌ویژه در مهاجرت‌های کاری و اقتصادی هماهنگ و همخوان است.

نتایج مطالعه بیانگر این است که همراه با افزایش سن، تمایل به ماندن در منطقه پارس جنوبی، هرچند با شیب ملایم افزایش می‌یابد. از این رو، می‌توان حضور بیشتر مهاجران را با انطباق بیشتر و در نتیجه تمایل بالاتر برای ماندن همراه دانست. همچنین افرادی که دارای تحصیلات کارشناسی و دیپلم هستند در مقایسه با افراد دارای تحصیلات بالاتر از کارشناسی‌ارشد، ماندگاری بالاتری دارند. به نظر می‌رسد تحصیلات بالا، همراه با درآمد بالا برای این گروه از مهاجران احتمال ماندگاری کمتر و ترغیب شدن برای مهاجرت دوباره به مناطقی با آب‌وهوا و امکانات بالاتر را به همراه دارد.

در این مطالعه شبکه‌ها و نقش آن‌ها در ماندگاری مهاجران به دو شیوه شبکه‌های قبل از مهاجرت و پس از مهاجرت مورد توجه بوده است. موینیهان و پاندای (۲۰۱۴) در مطالعه عوامل مؤثر بر خروج نیروی کار، به نقش شبکه‌های درون و برون‌سازمانی اشاره دارند و بیان می‌کنند این شبکه‌ها نگرش و رفتار افراد را شکل می‌دهند و در تمایل به ماندن و ترک محیط فعلی

نقشی تعیین کننده دارند. همچنین آن‌ها این موضوع را نیز مورد اشاره قرار می‌دهند که نقش این شبکه‌ها از شبکه‌های اولیه که زمینه را برای ورود مهاجران فراهم کرده، برای ماندن یا نماندن مهم‌تر هستند. نتایج به دست آمده از ارتباط شبکه‌های داخل و خارج سازمانی با ماندگاری مهاجران بیانگر این است که از میان شبکه‌های قبل از مهاجرت، شبکه فامیلی اثرگذاری معناداری در ماندگاری مهاجران دارد و از میان شبکه‌های پس از مهاجرت هر دو نوع شبکه مورد نظر یعنی شبکه‌های داخل سازمان و خارج سازمانی اثری معنادار و قابل توجه بر ماندگاری جمعیت مهاجر دارد. این یافته که اندازه شبکه‌ها پس از مهاجرت یعنی شبکه‌هایی که افراد در فازها/پتروشیمی‌ها به دست می‌آورند، اثر مطلوب‌تری بر ماندگاری دارد یعنی مهاجران دارای شبکه بزرگ‌تر، مدت زمان بیشتری در منطقه صنعتی پارس جنوبی می‌مانند و این با نتایج مطالعه مونیهان و پاندای (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

به‌طور کلی، از نتایج و یافته‌های مطالعه این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که برای مطالعه شبکه‌ها و اثرگذاری آن بر ماندگاری مهاجران، می‌بایست در وهله اول شبکه‌ها و شیوه اثرگذاری آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کرد. برخی از شبکه‌ها مانند شبکه‌های خویشاوندی، فامیلی و دوستی در حرکت مهاجران به سمت جامعه مقصد اثرگذاری قابل توجهی دارند و اثرگذاری آن‌ها بعد از مهاجرت در طی زمان کاهش می‌یابد. این شبکه‌ها در شکل دهی به جریان‌ات مهاجرتی بعدی اثرگذار هستند اما در تعیین میزان مدت ماندگاری مهاجران به‌ویژه مهاجرانی مانند مهاجران نیروی کار که با محیط، شرایط و روابط جدیدی ارتباط پیدا می‌کنند، اثرگذاری کمتری خواهند داشت. از این رو، توجه به شبکه‌های شکل گرفته برای فرد مهاجر پس از مهاجرت به‌ویژه در ارتباط با موضوع ماندگاری مهاجران، می‌تواند تحلیل کامل‌تری را از نقش شبکه‌ها در ماندگاری مهاجران ارائه کند.

پیشنهادها

به‌منظور برنامه‌ریزی لازم در خصوص ماندگاری مهاجران، به‌ویژه در منطقه صنعتی پارس جنوبی و به‌طور کلی در مناطق صنعتی دیگر، پیشنهادهای کاربردی و تحقیقاتی زیر ارائه می‌شود: از آنجایی که انطباق اجتماعی و فرهنگی به عضویت مهاجران در شبکه‌های جامعه مقصد کمک می‌کند و زمینه را برای ماندگاری طولانی مدت مهاجران فراهم می‌کند، پیشنهاد می‌شود

طرح‌های مسکن سازمانی به‌گونه‌ای اجرا شوند که جامعه مهاجر خود را به‌عنوان بخشی از جامعه مقصد تلقی کند؛ برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی باهدف افزایش تعلق مهاجران به جامعه جدید که زمینه را برای افزایش همبستگی اجتماعی فراهم می‌کند، بسترسازی شود؛ زمینه‌های لازم برای ایجاد و تداوم روابط و شبکه‌های بین افراد در مجتمع‌ها و فازها فراهم شود.

منابع

- امینی نژاد، غلامرضا؛ بیک محمدی، حسن؛ حسینی ابری، سید حسن (۱۳۸۷). تحلیل درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص. ۱۷۲-۱۴۳.
- صابری زفرقندی، محمدباقر؛ رحیمی موقر، آفرین؛ حاجبی، احمد؛ امین‌اسماعیلی، معصومه؛ رزاقی، عمران؛ خسو، گل‌آرا؛ جارسایه، رضا (۱۳۸۸). وضعیت مصرف مواد، اعتیاد و خدمات مربوطه در کارگران منطقه صنعتی عسلویه (میدان گاز پارس جنوبی) در سال ۱۳۸۶، مجله حکیم، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۵۸-۶۸.
- غلامی، محمد (۱۳۹۴). ارزیابی توسعه پایدار شهرهای استخراجی جنوب ایران: مورد مطالعه شهر عسلویه، پایان‌نامه دکتری، سازمان مرکزی دانشگاه پیام نور، تهران.
- قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی و جابه‌جایی جمعیت: مطالعه جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- محمودیان، حسین؛ قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه‌ای کیفی بر جریان‌های مهاجرت از استان آذربایجان شرقی به استان تهران، توسعه محلی روستایی-شهری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۵). ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه‌حل‌های کاهش آن در عسلویه، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲۶، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- طالبیان، سیدامیر؛ فاضلی، محمد، دغاغله (۱۳۸۷) تحلیل تأثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۳، صص ۵۵-۷۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال، صادقی، رسول، محمدی، عبدالله (۱۳۹۵). ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستان از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۱۰-۴۱.

- Agadjanian,V,Gorina.E, Menjivar.C (2014). Economic incorporation, civil inclusion and social ties, *International Migration Review*, 48 (3): 577-603.
- Bauer.T, Gang.N.I (1998). Temporary migrants from Egypt: How long do they stay abroad?, *IZA Discussion Paper No.3*. Bonn.
- Bauer.T, Epstein.G.S, Gang.I (2005). Enclaves, Language and the location choice of migrants, *Journal of population economics*, 18 (4): 469-662.
- Choldin, H.M (1973). Kinship networks in the migration process, *The International Migration Review*, 7 (2):163-175.
- Cornelius, A.W (1973). *Political learning among the migrant poor: the impact of residential context*, Sage Publication.
- Dustmann.C (2003). Return migration, wage differentials and the optional migration duration, *European Economics*, 67 (2): 351-372.
- Fussell, E., Massey. D.S (2004). The limits to cumulative causation: international migration from Mexican urban area, *Demography*, 41 (1): 151-171.
- Fleischer.A (2008). *The role of the family for return migration, re-integration and re-emigration in Armenia*, Conference Paper-XXVII IUSSP International population conference: [http://iussp.org/sites/default/files/event_call_for_papers/The role of the family for return migration, reintegration and re-emigration in Armenia_Fleischer.pdf](http://iussp.org/sites/default/files/event_call_for_papers/The%20role%20of%20the%20family%20for%20return%20migration,%20reintegration%20and%20re-emigration%20in%20Armenia_Fleischer.pdf).
- Granovetter.M (1983). The strength of weak ties: A network theory revisited, *Sociological Theory*, 1: 201-233.
- Granovetter, M.S (1977). *The strength of weak ties*, *Social networks*, Elsevier Press.
- Greenwood, M.J (1970). Lagged response in the decision to migrate, *Journal of Regional Science*, 10 (3): 375-384.
- Hägerstrand, T (1957). Migration and area, *Migration in Sweden*, 13: 27-158.
- Hugo, G.J (1981). *Patterns of interprovincial migration*, In: *United Nations. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific. Migration, urbanization and development in Indonesia*, New York, United Nations, 1981. 81-110. (Comparative study on migration, urbanization and development in the ESCAP region. Country reports; 3).
- Liang.Z, Chunyu.M.D (2013). Migration within China and from China to the USA: The effects of migration networks, selectivity and the rural political economy in Fujian Province, *Population Study*, 67 (2): 209-223.
- Lomnitz, L.A (2014). *Networks and marginality: Life in a Mexican shantytown*, Academic Press.
- Lozano-Ascencio.F (2004). Migration strategies in urban context: labour migration from Mexico city to the United States, *Migraciones Internacionales*, 2 (3): 34-59.
- MacDonald, JS, MacDonald, LD (1974). Chain migration, ethnic neighborhood formation and social networks, *The Milbank Memorial Fund Quarterly*, 42 (1): 82-96.
- Magnin, W(1959). The role of regional associations in the adaption of rural population in Peru,*Sociologus*, No.9,pp: 23-35.
- Massey, D.S, España, F.G (1987). The social process of international migration, *Science*, 237 (4816): 733-738.
- Massey, D.S (1990). Social structure, household strategies, and the cumulative causation of migration, *Population index*, 56: 3-26.
- Massey, D.S, Arango, J, Hugo, G, Kouaouci, Ali, Pellegrino, A, Taylor, J.E (1993). Theories of international migration: A review and appraisal, *Population and development review*, 19 (3): 431-466.
- Massey, D.S , Espinosa. K.E (1997). What's Driving Mexico-U.S. Migration? A Theoretical, Empirical, and Policy Analysis, *American Journal of Sociology*, 102 (4): 939-999.

- Massey, D.S, Parrado, E.A (1998). International migration and business formation in Mexico, *Social Science Quarterly*, 79 (1): 1-20.
- Massey, D.S, Zenteno, R.M (1999). The dynamics of mass migration, *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 96 (9): 5328- 5335.
- Mitchell, J.C (1969). *Social networks in urban situations: analyses of personal relationships in Central African towns*, Manchester University Press.
- Moynihan, D.P, Pandey, S.K (2007). The ties that bind: Social networks, person-organization value fit, and turnover intention, *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18 (2): 205-227.
- Nelson, R.L (1959). *Merger Movement and Business Cycles, 1895-1956*, Princeton University Press.
- Portes, A, Bach, R.L (1985). *Latin journey: Cuban and Mexican immigrants in the United States*, University of California Press.
- Ryan. L(2011). Migrants social networks and weak ties: accessing resources and constructing relationship post-migration, *The Sociological Review*, Vol.59, No.4, pp.707-724.
- Stark, O (1984). *Migration decision making*, North-Holland Press.